

تأملی بر ساختار و محتوای کابوس کوچ از حنا مینه و قلم سرنوشت از جعفر شهری

ناصرقلی سارلی*

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، تهران

مریم شکوهی نیا**

کارشناس ارشد ادبیات تطبیقی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۳۰)

چکیده

قرن‌هاست که رمان بزرگترین و گسترده‌ترین ژانر در میان ژانرهای ادبی است. تقسیم‌بندی نظریه‌پردازان دربارهٔ انواع رمان نشان می‌دهد که هر موضوعی می‌تواند به صورت یک رمان نوشته شود، به شرط آنکه نویسنده قوانین و ساختار رمان‌نویسی را بداند؛ یعنی نه اینکه این قوانین و چهارچوب‌ها همواره ثابت و تخطی‌ناپذیرند، بلکه نویسندهٔ رمان باید بداند که چه قوانین و اصولی را باید رعایت کند تا اثری که می‌آفریند، بتواند هم با اصول سبکی آن همخوانی داشته باشد و هم بر ذهن مخاطبان خود اثر بگذارد. یکی از بهترین راه‌های دستیابی به چنین شناختی، بررسی عناصر داستانی است که در هر سبکی با داشتن تعریف مشخص خود، ما را به این مقصود می‌رساند که آن اثر در نوع خود تا چه حد موفق بوده است. در این مقاله، کوشش بر آن است تا با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای، با بررسی عناصر داستان در کابوس کوچ اثر حنا مینه، نویسندهٔ سوری، و قلم سرنوشت اثر جعفر شهری نشان دهیم که عملکرد موفق‌تر عناصر داستانی در قلم سرنوشت نسبت به کابوس کوچ به چه دلایلی رخ داده است و در هر یک از این دو اثر، چه اندازه اصول و معیارهای ساختاری داستان‌نویسی رعایت شده است و این امر چه تأثیری بر هر یک از این آثار بر جای گذاشته است.

کلیدواژه‌ها: رمان، عناصر داستانی، کابوس کوچ، حنا مینه، قلم سرنوشت، جعفر شهری.

* E-mail: naser.sarli@gmail.com

** E-mail: mshokuhi63@gmail.com (نویسندهٔ مسئول)